

ذبح جمهوریت

علی باقری در گفتوگو با «اعتماد» از رذیلت‌ها، ذبح جمهوریت و راه‌های عبور از مشکلات می‌گوید

سیاست‌ورزی به وقت انسداد

وضعیت خبرگان در خراسان جنوبی نمادی از شرایط انتخابات در کل کشور است

مهدی بیک اوغلی

در شرایطی که برخی افراد و جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب و میانه‌رو به دنبال آن بودند تا از بطن مشکلات سیاسی و تنگناها، مسیری برای کنشگری فعال و پویایی انتخاباتی فراهم سازند، رذیلت‌های حسن روحانی برای انتخابات خبرگان رهبری که در ادامه رذیلت‌های گسترده نیروهای اصلاح‌طلب و میانه‌رو برای انتخابات مجلس شکل گرفت، مانند آب سردی، طرفداران مشارکت در انتخابات را در بهت و حیرت عمیقی فرو برد. موضوع زمانی عجیب‌تر شد که خبر رسید انتخابات خبرگان رهبری در استان خراسان جنوبی، پس از رذیلت‌های 4 نامزد متقاضی تنها با یک نامزد (سید ابراهیم ریسی) برگزار خواهد شد. یعنی یک نامزد برای یک کرسی! وضعیتی که برخی تحلیلگران از آن با عنوان نماد و شیوه انتخابات 1402 یاد کرده و انتخابات را مبتنی بر آن تجسم می‌کنند؛ انتخاباتی بدون امکان رقابت با حذف گسترده رقبای. به نظر می‌رسد گروه‌های اقلیت دیگر روشن‌تر از این نمی‌توانستند حرف خود را بزنند. اگر کسی این پالس و پیام را به درستی دریافت نکند باید در هوش و درایت او تردید کرد. علی باقری فعال سیاسی اصلاح‌طلب با اشاره به این وضعیت اما از تداوم کنشگر اصلاح‌طلبانه مشارکت‌جویانه، تدریجی سخن می‌گوید؛ شیوه‌ای که تلاش می‌کند از دل تمام بن‌بست‌ها و انسدادها و محرومیت‌ها راهی به سمت بهبود و حیات دوباره جست‌وجو کند. برای درک این واقعیت که آیا دست یازیدن به یک چنین وضعیتی ممکن است یا نه؟ و آیا اصلاح‌طلبان از پس آن برخوانند آمد یا نه؟

نیازمند گذشت زمان است. به اعتقاد باقری اتفاقی که امروز در انتخابات خبرگان خراسان جنوبی افتاده، يك نماد برجسته و نمایان از وضعیتی است که انتخابات با آن روبه‌روست. يك نماد کامل از وضعیت همه انتخابات 1402. برگزاری انتخاباتی بدون رقیب که در آن یک نامزد برای يك کرسی وجود دارد.

با عدم تایید صلاحیت حسن روحانی به نظر می‌رسد معدود حلقه‌های ارتباطی میان عموم مردم و حاکمیت مسدود شده باشد. تحلیل شما از این شرایط چیست؟

آنچه در عالم واقع رخ می‌دهد، تقریباً از چگونگی و چرایی وقوع رخدادهاي آینده ابهام‌زدایی کرده و دیگر ابهامی برای مردم و فعالان سیاسی وجود نداشته و وضعیت برای همه شفاف شده است. شرایط کشور دیگر به گمانه‌زنی نیاز ندارد و نحوه برگزاری انتخابات کاملاً مشخص شده است. تا مدتی قبل، این ابهام وجود داشت که آیا بناست ساز و کار برگزاری يك انتخابات رقابتی و مشارکتی در عمل فراهم شود یا نه؟ برخی تردیدها هم در این میان وجود داشت، اما امروز با رخدادهاي که به وقوع پیوسته و چنانچه طی 2 هفته اتفاق اصلاحی خاصی رخ ندهد (که بعید است تغییری رخ دهد) بستر برگزاری انتخابات، کاملاً مشخص شده است. یعنی به‌رغم نیازی که کشور و جامعه به نشاط انتخاباتی و تحقق انتخاباتی پرمشارکت دارد و به‌رغم برخی اعلام سیاست‌های قبلی که حاکی از لزوم فراهم شدن ساز و کارهای تامین این نیاز (مشارکت حداکثری) بود، آنچه در عمل در حال رخ دادن است، خلاف همه این بایدهاست. حوادثی که در روند بررسی صلاحیت‌ها رخ داده و پالسهایی که به جامعه ارسال شده، تقریباً مشخص می‌کند که بنا نیست نیازهای امروز جامعه ایران در بطن يك انتخابات رقابتی تامین شود.

شما از وقوع چنین شرایطی تعجب کردید یا اینکه برای شما بهت‌آور بود؟

البته از قبل این تحلیل‌ها مطرح شده بودند که يك جریان سیاسی خاص در کشور وجود دارد که بین يك انتخابات با نتایج مطلوب و قطعی و بدون ریسک برای خود با شکل‌گیری يك انتخابات پرنشاط و نسبتاً آزاد و تقریباً مشارکتی برای اکثریت جامعه، مسیر اول را انتخاب می‌کند. در گذشته هم بسیاری به این نتیجه رسیده بودند، اما امروز با اطمینان بیشتری می‌توان گفت که يك جریان قدرتمند در کشور که عملاً سرنخ‌ها و مجاری قدرت را تحت امر و نفوذ قابل توجهی در نهادهای تصمیم‌ساز دارد، در حال رقم زدن چنین شرایطی برای کشور است.

نتیجه‌ای که درباره آن صحبت می‌کنید و این اقلیت با نفوذ به دنبال تحقق آن هستند، چیست؟ فقط پیروزی در انتخابات و جلوس بر صندلی قدرت؟ یا اینکه تبعات چنین انتخاباتی فراتر از این گزاره‌هاست؟

به دست آوردن يك پیروزی مطلق، ولو به قیمت ذبح مشارکت گسترده، به قیمت بردن آبرو از تمامیت نظام سیاسی کشور و شرایط حاکم بر آن، اتفاقی که امروز در انتخابات خبرگان خراسان جنوبی افتاده، يك نماد برجسته و نمایان از وضعیتی است که انتخابات با آن روبه‌رو است. يك نماد کامل از وضعیت همه انتخابات، برگزاری انتخاباتی بدون رقیب، در شرایطی که تبدیل به متلک و مضحکه و جوک در افکار عمومی و نقد و ارزیابی در خارج از کشور و رسانه‌ها شده است. اما در عین حال هیچ حساسیت، تعصب و نگرانی را در برخی محافل و جریان‌های سیاسی داخل کشور برنمی‌انگیزد. این جناح‌ها اساساً احساس نمی‌کنند، برگزاری چنین انتخابات بدون رقیبی، رخداد بد و نامطلوب برای جمهوریت نظام است. حتی خود این جناح‌های سیاسی مواجهه‌های عجیبی با موضوع داشته و متلک می‌گویند. نمونه این نوع برخوردها توییت نادری، مدیر خبرگزاری جمهوری اسلامی است که اعلام کرد، حسن روحانی را برای حوزه انتخابیه خراسان جنوبی تایید کنید تا هم مشکل او و مردم برطرف شود و هم مشکل انتخابات بدون رقیب ابراهیم ریسی!!! من نمی‌دانم این توییت مطایبه است، متلک است، شوخی است؟ چیست؟ هر چه که باشد، تاسف‌بار است. ضمن اینکه حاکی از اعتماد به نفس و عدم نگران يك جریان سیاسی در خصوص فقدان برگزاری يك انتخابات استاندارد و رقابتی است. گویی يك جریان سیاسی اقلیت نه تنها به دنبال تحقق يك انتخابات مشارکتی و رقابتی نیست، بلکه پلن اصلی خود را بر عدم تحقق چنین انتخاباتی قرار داده است. این واقعیت به رای‌العین در پیش چشم ناظران داخلی، خارجی و جناح‌های سیاسی و شخصیت‌های کشور در حال رخ دادن است.

اما پس از رخدادهای اعتراضی سال 1401 اغلب تحلیلگران و اساتید از ضرورت اصلاح، تغییر و به‌روزرسانی نظام صحبت کرده بودند و حتی رییس قوه قضاییه هم از ضرورت گفت‌وگو میان طیف‌های مختلف صحبت می‌کرد، چرا هیچ نشانه‌ای از این اصلاحات، تغییرات و ایجاد این فضای گفت‌وگو محور مشاهده نمی‌شود؟

چند حالت بر این چرایی متصور است یا این مقامات عالیرتبه نظام در وقت خود به دلیل شرایط حساس کشور این عبارات را بیان کرده بودند و این سخنان نوعی گفتار درمانی محسوب می‌شد یا اینکه قدرت فائقه در نقاط دیگری شکل گرفته است. در واقع باید قبول کرد کانون‌های

متفاوتی از قدرت وجود دارد که اجازه نمی‌دهند این هدف‌گذاری‌ها که به عنوان سیاست از جانب مسوولان تراز اول نظام مطرح می‌شوند، تحقق یابند. فکر نمی‌کنم، شکل دیگری بتوان برای این رخداد‌های متناقض در نظر گرفت. یکی از این 2 دلیل است. موضوعی که قطعاً به آن می‌توان اشاره کرد، آن است که راه‌های معقول حل مساله در کشور و حل مشکلات و بحران‌ها، مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند.

این تناقضات در ادامه چه شرایطی را در کشورمان ایجاد می‌کند؟ آیا شکاف و مشکلی برای سیستم به وجود نمی‌آید؟

بدون تردید مشکلاتی ایجاد می‌شوند. وقتی سیاست‌های رسمی اعلامی از ناحیه مقامات بلندپایه کشور (و نه صحبت‌های منتقدان و مخالفان) در خصوص آفات عدم شکل‌گیری يك انتخابات پرشور و پرنشاط مشارکتی و آفات نهاد‌های برآمده از انتخابات حداقلی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد، طبیعی است که کشور با مشکلات عدیده‌ای از عدم مشارکت مردم مواجه می‌شود. وقتی خود این بزرگواران اذعان دارند به آفاتی که مترتب است به ادامه وضع کنونی و صراحتاً آن را به زبان می‌آورند، طبیعی است که نگاه منتقدان از جمله بنده به موضوع روشن است. بازتولید مشکلات و بحران‌هایی که در کشور داشتیم و شاید امروز فیتله آن کمی به پایین کشیده شده باشد غیرقابل اجتناب است.

در این شرایط گروه‌های اصلاح‌طلب و توسعه‌خواهان چه باید بکنند؟ آیا مخالفت‌های صد درصدی و انتشار چند بیانیه کفایت می‌کند؟

با وضعیت پیش آمده و به‌رغم سختی‌ها و بن‌بست‌هایی که در برابر يك حرکت مشارکت‌جویانه و اصلاح‌طلبانه ایجاد شده، گمان می‌کنم لزوم تحقق يك فرآیند اصلاحی قانونی مشارکت‌جویانه تدریجی که به نظرم دوا و شفای مشکلات کشور است، همچنان احساس می‌شود.

حتماً قبول دارید، برخی گروه‌ها ممکن است مانند شما فکر نکنند. وقتی اجازه داده نمی‌شود رویکردهای اصلاحی در جامعه طرح شود و در معرض رای و انتخاب مردم قرار گیرد، چطور می‌توان رویکردهای اصلاح‌طلبانه را دنبال کرد؟

معتقدم گره‌گشایی از مشکلات کشور نه با حرکتی دفعی و هیجانی امکان‌پذیر است و نه با ادامه وضع موجود. یعنی جامعه ایرانی محکوم به پیگیری يك فرآیند اصلاح‌جویانه تدریجی و قانونی و مشارکت‌جویانه است، تصور می‌کنم همان‌طور که در بیانیه آقای روحانی پس از رد صلاحیت ایشان آمده، ما چاره‌ای جز این نداریم که همین فرآیند اصلاح‌جویی

تدریجی و مبتنی بر مشارکت و قانون را دنبال کنیم. یعنی باید با ابتکار، خلاقیت و هوشمندی (همان‌طور که آقای روحانی هم به آن اشاره کردند) بزرگان و شخصیت‌های پخته کشور و دلسوزان کشور، راه‌هایی برای تداوم سیاست‌ورزی و اصلاح‌جویی حتی در شرایط فعلی بیابند تا مولفه‌های آن شکل از اصلاح‌طلبی نجات‌بخش، یعنی تدریجی بودن، مشارکتی بودن و قانونی بودن را در بطن خود داشته باشد. البته جامعه ایرانی سابقه چندانی در دست یازیدن به این اشکال خلاقانه از سیاست‌ورزی که سیاست‌ورزی را در عین بن‌بست‌ها و انسدادها ممکن می‌کند، ندارد. به نظر می‌رسد که با تلاش و ابداع و خلاقیت گروه‌های مرجع سیاسی در جامعه باید این راه‌ها ابتدا پیدا شوند و بعد به جامعه ارائه شود تا جامعه از این مسیرها به پیشرفت خود ولو به صورت تدریجی ادامه دهد. فکر می‌کنم رسالت عمده نیروهای سیاسی-تشکیلاتی و کنشگران در شرایط امروز جامعه ایرانی، دست یازیدن به چنین اقداماتی است. اگر موفق به انجام این اقدام متناقض شوند نامشان در تاریخ این سرزمین باقی می‌ماند. در غیر این صورت کنش اعتراضی صرف نسبت به آنچه در حال رخ دادن است و قهر و اعتراض با صدای بلند به تنهایی گرهی از کار فرو بسته ملک و ملت باز نمی‌کند.

یک جریان سیاسی خاص در کشور بین یک انتخابات با نتایج مطلوب و قطعی و بدون ریسک برای خود با شکل‌گیری یک انتخابات پرنشاط و نسبتاً آزاد و تقریباً مشارکتی برای اکثریت جامعه، مسیر اول را انتخاب می‌کند

گره‌گشایی از مشکلات کشور نه با حرکتی دفعی و هیجانی امکان پذیر است و نه با ادامه وضع موجود

□□□□□□ : □□□□□□ □□□□□□ 8 □□□□□□ 1402 □□□□□□